

خدای عشق

شامل: خاطرات، اشعار و لائی، عرفانی، مناسبت ها، طنز

سروده: اصغر بحرانی

www.ketab.ir

بحرانی، اصغر، ۱۳۱۵ -	سرشناسه
خدای عشق: شامل خاطرات، اشعار ولایی... / سروده اصغر بحرانی.	عنوان و نام پدیدآور
قم: اندیشه سازان هدایت، ۱۳۹۰.	مشخصات نشر
۲۰۸ ص.	مشخصات ظاهری
978-600-92336-5-6	شابک
شعر فارسی - قرن ۱۴	موضوع
جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ - - خاطرات	موضوع
۱۳۹۰ خ ۳۴ ح / PIR۷۹۶۳	رده بندی کنگره
۸۶۱/۶۲	رده بندی دیویی
۲۴۳۱۹۷۶	شماره کتابشناسی ملی



خدای عشق

شاعر : اصغر بحرانی
 ناشر : اندیشه سازان هدایت
 نوبت چاپ : اول / ۱۳۹۰
 چاپ : صدر
 تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
 قیمت : ۵۵۰۰۰ ریال
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۳۳۶-۵-۶

قم - خیابان ارم - نشر اندیشه سازان هدایت تلفن ۷۷۳۸۶۵۲

کلیه حقوق این اثر محفوظ است.

فهرست مطالب

۳۲ نبی اکرم(ص) ۳۳ کنیه و القاب حضرت زهرا(س) ۳۳ حسین جان ۳۴ علی جان ۳۵ غدیر ۳۶ چشم تو ۳۶ علی جان ۳۸ شهادت امام رضا(ع) ۳۸ آقایا ۳۹ مناجات ۴۰ ولادت حضرت امام رضا(ع) ۴۱ میلاد امام هشتم ۴۲ حسین جان ۴۳ عدالت ۴۴ سیب سرخ ۴۵ حسین جان	۱۱ خاطرات و معرفی مولف ۱۳ خاطره (در منطقه جنگی غرب) ۱۷ خاطره تلخ ۱۸ خاطره نظامی ۲۳ اشعار ولایی ۲۵ ای دوست ۲۵ نابترین واژه ۲۷ نیامدی ۲۸ نیامد ۲۹ نبی اکرم(ص) ۲۹ دو رکعت عشق ۳۰ نماز ۳۰ عبادت کنیم ۳۱ در پناه تو ۳۱ حریم حرمت گل
--	---

۴۶	امامزاده جلال الدین	۶۴	مهدی جان
۴۶	انتظار	۶۴	حضرت زینب (س)
۴۷	کربلا	۶۶	الها
۴۸	عطای تو	۶۶	وعده ظهور
۴۹	علی	۶۸	پایان کتاب
۴۹	امام رضا (ع)	۶۸	مناجات
۵۰	امام جعفر صادق (ع)	۶۹	صاحب دلا
۵۱	ربنا	۷۰	زیر چتر رحمت
۵۲	حسین جان	۷۱	پیر خفاشان
۵۳	سزای تو	۷۱	دل
۵۳	مهربانتر از مادر	۷۲	پیر تاریخ
۵۵	نسل قرآن	۷۳	مراد جان
۵۵	مهدیا	۷۴	انتظار
۵۶	علی جان	۷۴	یا رب
۵۷	جام غزل	۷۵	عید غدیر
۵۸	عطر یزدان	۷۶	حضرت زینب (س)
۵۹	معنی ایثار	۷۷	باغ گل یاس محمد
۶۰	مادر بزرگ	۷۸	امیر عاشقان
۶۰	تو راضی باش	۷۹	شب قدر
۶۱	یاد باد	۷۹	فرات
۶۲	صبح یقین	۸۰	مهدی جان
۶۲	مهدی جان	۸۱	گل اشک
۶۳	امام عاشقان	۸۱	گل اشک

۱۰۱	رحلت نبی اکرم(ص)	۸۲	پاسبانی
۱۰۲	زهر جان	۸۲	امام رضا(ع)
۱۰۲	زهر جان	۸۳	حسین جان
۱۰۳	زهر جان	۸۴	خواهم آمد
	از دواج حضرت علی(ع) با حضرت	۸۵	سرزمین عشق
۱۰۳	زهر(س)	۸۵	شاه شهیدان
۱۰۳	مقتدای حق	۸۶	پرچمدار حقیقت
۱۰۵	الای چاه	۸۷	شهید
۱۰۵	چیز دگر	۸۹	چاه علی
۱۰۶	ساغری از واژه	۸۹	گرگ چوپان است
۱۰۷	چرا نمی آیی	۹۰	کربلا
۱۰۸	نور رسته گل	۹۲	امام رضا(ع)
۱۰۸	امامزاده علی(ع)	۹۳	فتح باب کن
۱۰۹	شهید	۹۳	مهدی جان
۱۱۰	شهید گمنام		
۱۱۰	دلم خون است	۹۵	اشعار عرفانی
۱۱۱	اشعار عرفانی	۹۷	مادر شهید
۱۱۱	مادر	۹۷	جوانی
۱۱۲	به یاد شیر مردان	۹۸	برای عروسم
۱۱۲	چراغ خانه	۹۸	ای صنم
۱۱۳	ز گهواره تا گور مدرک بجوی	۹۹	سیر جان
۱۱۳	طلا	۱۰۰	تک گل
۱۱۳	پیدا شدم	۱۰۰	حضرت محمد(ص)

نماز	۱۱۳	بهترین دوست	۱۳۱
مادر	۱۱۵	یاسین	۱۳۲
بچه زیدآباد	۱۱۵	عشق	۱۳۲
رکعتی عشق	۱۱۶	کویر	۱۳۳
حجاب	۱۱۷	عرفانی	۱۳۴
طنز	۱۱۷	ر(و)ب	۱۳۵
سرخم نمی کنیم	۱۱۸	اسراف و تبذیر	۱۳۶
مادر	۱۱۹	سنگ ملامت	۱۳۷
پیری	۱۱۹	سبز	۱۳۸
مهمانی گلها	۱۲۰	رسم و وفا	۱۳۸
الفت با آینه	۱۲۱	عطر نام تو	۱۳۹
لطف خدا	۱۲۲	هفتاد سال	۱۴۰
یاد دوست	۱۲۲	مهر ماه	۱۴۰
قطعه	۱۲۳	هموطن	۱۴۱
عزت نفس	۱۲۴	حج اکبر	۱۴۲
نمی آید سحر	۱۲۵	بیابان	۱۴۲
تا به کی	۱۲۶	عید فطر	۱۴۳
بی تو	۱۲۷	آدم شد	۱۴۳
مادر	۱۲۷	آذر سینا	۱۴۵
هواخواه	۱۲۸	قطعه	۱۴۶
شنشادی و سروی	۱۲۹	صبر و عاشقی	۱۴۶
پیمان شکن	۱۳۰	زن	۱۴۶
گذر عمر	۱۳۱	کشیش ملعونی که به قرآن اهانت	

۱۶۵	رباعیات و دوبیتی‌ها	۱۴۷	کرد
۱۷۰	رباعی	۱۴۷	منیت
۱۷۱	زباعتی	۱۴۸	بی عفتی
۱۷۱	رباعی		
۱۷۱	رباعی	۱۴۹	مناسبت‌ها
۱۷۱	نفس اماره	۱۵۱	تلاقی محرم با بهمن
۱۷۲	پند	۱۵۲	قصه دشمن
۱۷۲	مادر و پدر	۱۵۳	بسیج
۱۷۲	سه اصل	۱۵۳	مکتب من
۱۷۲	الگو	۱۵۴	لبنان
۱۷۲	هفت وادی	۱۵۵	بوش
۱۷۲	فرد	۱۵۶	جبهه
۱۷۴	فرد	۱۵۸	قدس
۱۷۴	فرد	۱۵۸	وحدت
		۱۵۹	معما
۱۷۵	طنز	۱۵۹	معما
۱۷۷	فوق لیسانس	۱۵۹	بهمن
۱۷۸	طنز	۱۶۰	به کی بگم
۱۷۸	طنز	۱۶۱	غزه
۱۷۹	طنز	۱۶۲	بهمن
۱۸۰	اسکناس هزار تومانی	۱۶۳	می‌گذاری و می‌روی آخر
۱۸۱	طنز		برای دخترم زهرا که به خانه بخت
۱۸۱	طنز محلی	۱۶۳	رفت

۱۹۰	شهردار	۱۸۲	طنز
۱۹۰	بانگ جرس	۱۸۳	طنز
۱۹۱	طنز	۱۸۳	شعر محلی
۱۹۲	ارث	۱۸۴	طنز
۱۹۳	کم بازی کنید	۱۸۵	کارمند
۱۹۳	بی حجاب	۱۸۵	انقلاب سفید
۱۹۴	طنز	۱۸۶	مدیر کل
۱۹۴	طنز	۱۸۶	دزد غزل
۱۹۵	طنز	۱۸۷	شورا
۱۹۵	طنز	۱۸۷	طنز
۱۹۵	طنز	۱۸۷	طنز
۱۹۶	طنز	۱۸۸	طنز
۱۹۷	دیگر آثار مولف	۱۸۹	هجو
		۱۹۰	هجو

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خاطرات و معرفی مولف

در سال ۱۳۱۵ در خانواده‌ای روحانی متولد شد دروس مقدماتی و قرآن را نزد مرحوم پدرش ملا محمد که مکتب خانه داشت فراگرفت با مدرک دیپلم وارد دانشگاه افسری ارتش شد.

در سال ۱۳۵۰ پس از گذراندن دوره افسری به اهواز مأموریت یافت و در سال ۱۳۵۵ از اهواز به کرمان منتقل گردید در سال ۱۳۵۹ جنگ تحمیلی عراق علیه ایران شروع شد وی با توجه به شغل سازمانی که داشت نمی بایست به جبهه برود ولی داوطلب به جبهه جنگی آبادان اعزام گردید.

آن موقع آبادان محاصره نیروهای عراقی بود فقط یک راه آبی بود که به ماهشهر راه داشت و از همین مسیر هلی کوپترها نیز ایاب و ذهاب می نمودند.

تا سال ۱۳۶۰ آبادان بود و از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲ به منطقه جنگی غرب (سرپل ذهاب و قصر شیرین) اعزام گردید گرچه منطقه جنگی برایش یک دانشگاه و معبد بود و خاطرات زیادی را از آنجا داشت

وی وقتی در منطقه جنگی سر پل ذهاب بود بعثت موج انفجار کاتیوشا مصدوم و به بیمارستان ۵۰۱ ارتش تهران اعزام گردید پس از یک ماه بستری مرخص و به محل خدمتش (کرمان) رفت.

از واجدی که در آن خدمت می‌کرد به وی ابلاغ کردند که ۳۰ درصد جانبازی شامل حالت می‌شود فلان روز فلان ساعت بیا کمیسیون پزشکی. یادش آمد به این روایت که:

وقتی حضرت علی (ع) رسماً پس از عثمان زمام امور مسلمین را بعهده گرفتند اولین کارشان رسیدگی به وضع بیت المال بود که توسط حکام و دستگاه خلفای قبل و ناهالان به بستگانشان پرداخت می‌شد. حضرت دست خیلی آنها را که بناحق چنین پولهایی می‌گرفتند قطع نمود از جمله طلحه و زبیر این دو نفر خدمت حضرت رفتند عرض کردند چرا حقوق ما را قطع فرمودید حضرت فرمود به چنه منظور این حقوق را تا حالا می‌گرفتید؟

گفتند ما در جنگهای اسلام همیشه همراه حضرت رسول (ص) بودیم، جنگیدیم شهید دادیم، حتی زخمی هم شدیم.

حضرت فرمودند، آیا جنگ می‌کردید مزدور بودید یا برای اسلام بود؟ گفتند یا علی جنگ ما برای اسلام بود. مزدور یعنی چه؟

حضرت علی فرمودند پس از اسلام بگیرید نه از بیت المال که به همه تعلق دارد!

به هر حال ۳۰ درصد جانبازی را نخواست و حتی کمیسیون هم حاضر نشد.

شواری عالی پزشکی تهران به شماره کمیسیون $\frac{۱۹۹}{۶۳/۴/۱۱}$

سروان مخابرات اصغر بحرانی مرا ۰۵ کرمان متولد ۱۳۱۵

بیمار بعلت حالات تشنجی و دیسی ریتمی سر برال به مدت یکسال در طبقه سوم خدمت کند و تحت در مان قرار گیرد و از نگهداری و حمل اسلحه معاف باشد رئیس شورای عالی پزشکی سرهنگ دکتر مودبی

عضو ۱ - سرهنگ دکتر ارجمند

عضو ۲ - سرهنگ دکتر صفاری

عضو ۳ - سرهنگ دکتر قانونی

عضو ۴ - سرهنگ دکتر احتشام نیا

عضو ۵ - سرهنگ دکتر افضلی

همانطور که قبلاً گفته شد بصورت داوطلب به جبهه رفت اولاً عرق ملی و مذهبی بود ثانیاً آفری که قبل از وی به آبادان اعزام شده بود که می بایست او را عوض کنند و کسی هم طراز او نبود وی بعلت گرفتاری خانوادگی و نارسائی های اوایل جنگ نتوانسته بود رضایت فرماندهان جنگ را فراهم کند همین امر موجب شده بود که به تنزیل یک درجه تنبیه گردد - لذا داوطلب برای تعویض او به ماهشهر و از آنجا به آبادان رفت طبق امریه ضمیمه ۲

بسمه تعالی در اجرای امریه شماره $\frac{۵۹/۱۰/۱۶}{۷۰۱-۰۳-۲۷}$ معاونت

پرسنلی نذاجا مددکار کارگزینی

افسران به ستوان یکم اصغر بحرانی مأموریت داده می شود که خود را به ستاد عملیات اروند ماهشهر معرفی کند - ف همراه.

کرمان.....

وی خود را به ستاد فوق معرفی و با هلیکوپتر به آبادان رفت در طول مدت خدمت سعی داشت تا آنجا که ممکن بود نسبت به انجام وظیفه کوشا باشد بهمین انگیزه در خاتمه ماموریتش فرمانده عملیات تقدیرنامه ای و تقاضای ۶ ماه ارشدیت برایش نوشت که به همان تقدیرنامه اکتفا نمود.

$$\frac{۶۰/۳/۱۸}{۷۰۱-۰۳-۱۰۸}$$

باستناد دستور ۶۵ نزاجا افسر نامبرده بالا بعلت جدیت در عملیات اروندر در دستور فوق تشویق گردید دستور فرمائید مراتب را به وی ابلاغ نمایند. ف.مراه کرمان.....

اگر چه در جبهه وظیفه وی برقراری ارتباط (مخابراتی) و تهیه کدورمزهای عملیاتی بود ولی اوقات فراغت (اگر دست می داد) به کارهای فرهنگی - عبادی می پرداخت و با نیروهای همجوار سپاه و بسیج همکاری می نمود.

بسمه تعالی - بدینوسیله از همکاری برادر اصغر بحرانی که در کلیه امور با این اداره همکاری داشته تشکر و قدردانی می گردد - بخش سیاسی ایدئولوژیک پادگان ابوذر

ضمیمه ۵ - از دفتر سپاه پاسداران مستقر در پادگان ۰۵ کرمان

$$\frac{۱۰۱-۳۴۲}{۶۰/۱۱/۷}$$

به ف.مراه ۵. کرمان

برادر اصغر بحرانی از بدو ماموریت به واحد بسیج تاکنون همکاری مداومی با برادران نموده حسن انجام وظیفه وی مورد تایید

است وی با توجه به سن و قوای جسمانی بیش از وظیفه مأموریت خود فعالیت داشته و آموزش مخابرات را در مواقع غیر خدمت متقبل گردیده و به نحو مطلوب آموزش داده است.

متصدی دفتر سپاه مستقر در پادگان ۰۵ - برادر همتی در زمان بازنشستگی نیز با اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی سیرجان و سپاه و بسیج همکاری داشته و به حوزه مقاومت های بسیج پیوسته و با اخذ کارت ناصحین به وظایف شرعی و قانونی (امر به معروف و نهی از منکر) می پرداخت.

۱۰۱۷
۸۲/۶/۲۵

به ناحیه مقاومت بسیج سپاه پاسداران
احتراماً برادر بسیجی اصغر بحرانی از تاریخ ۰۱۱/۷/۶۰ به عضویت عادی و از تاریخ ۸۰/۱۱/۸ به عضویت فعال این حوزه در آمده و هم اکنون با مسئولیت عضو گروه های مقاومت مشغول فعالیت می باشد
ف - ح - مقاومت بسیج حضرت امیرالمومنین
سروان پاسدار - محمد رضا سلطانی

خاطره تلخ

سال ۱۳۶۲ که امور ارتباطی ستاد و پادگان ۰۵ کرمان را بر عهده داشت با خرید ۵ شماره تلفن از شرکت مخابرات امکان ارتباط سربازان را با خانواده شان برگزار نمود با ایجاد چند محل این کار اجرا می شد ماهیانه مبالغی از این طریق صرفه جویی و زیاده می آمد مسجدی در پادگان در حال ساخت بود که احتیاج به وسایل صوتی

داشت گرد شکاری تهیه نمود و در آن از فرمانده پادگان خواست اجازه دهد از محل وجوه وسایل فوق خریداری شود فرمانده مذکور که افسری مکتبی نبود و حتی عفت کلام و عفت قلم هم نداشت موافقت نکرد بلکه زیر گردشکار نوشت (خر نخریده آخورش را می‌کنید) که خود توهین به مقدسات مذهبی و بی اعتنایی به عمران و توسعه مسجد بود. وی گرد شکار را نزد امام جمعه کرمان برد ضمن خوردن تاسف دستور داد نشستی تشکیل و موضوع بررسی شود که نهایتاً فرمانده فوق محکوم و طولی نکشید که از کرمان منتقل گردید. بهر حال در سال ۱۳۶۳ بازنشسته شد و نوشتن و سرودن را جزئی از زندگیش قرار داد دانسته ها و تراوشهای فکریش را به نگارش در آورد و در محافل و مجالس ادبی و فرهنگی نیز شرکت داشت.

از فرمانداری سیرجان

شاعر گرانقدر آقای اصغر بحرانی نظر به لزوم همفکری و تعامل با اهل اندیشه و قلم بدینوسیله از جنابعالی دعوت می‌گردد تا در نشست صمیمانه نویسندگان سیرجان که در راس ساعت ۵ بعد از ظهر ۸۱/۴/۱۷ در محل فرمانداری تشکیل می‌گردد شرکت نمایند.

فرماندار سیرجان

۶/۸۶/۴۰۹۱
۸۶/۲/۲۶

رونوشت آقای اصغر بحرانی جهت اطلاع - خ - ر

از این دسته به آن دسته می‌فرستاد. و در انضباط او اثری نداشت. یکروز خود سرباز گفت مرابه دسته ستوان بحرانی بفرستید. سرباز را تحویل گرفتم و او را به دفتر بردم سوال‌هایی از او کردم نقاط ضعف و برجسته او را یادداشت نمودم. به این نتیجه رسیدم که او در یکی از دهات نامزدی دارد اگر هفته‌ای یکبار او را نبیند مرتکب غیبت می‌شود.

به او گفتم اگر هفته‌ای یکبار نامزدت را ملاقات کنی قول می‌دهی سرباز با انضباطی شوی. گفت قول شرف می‌دهم.

هفته‌ای یکروز به او مراجعه می‌دادم به قدری این سرباز منضبط شد که باعث تعجب همه مخصوصاً فرمانده گردید که گفت بحرانی چه کار کردی که ۱۸۰ درجه تغییر کرد. موضوع را به او گفتم:

در جامعه، خیران و نیکوکاران گمنامی هستند که نمی‌خواهند مطرح شوند مبادا کار آنها جنبه ریا و تظاهر به خودگیرد.

حقیر در کتاب انقلاب عشق به تعدادی از این افراد اشاره‌ای کرده‌ام اینک ۳ نفر دیگر را که از نظر خصوصیات اخلاقی و گفتاری و عمل نمونه می‌باشند را معرفی می‌کنم اگر چه این عزیزان به حقیر ابتدا اجازه چنین کاری را ندادند مع الوصف کار آنها را فرهنگ‌سازی و تأسی دیگران از ایشان عنوان کردم و رضایت آنها را جلب نمودم.

یکی از این افراد پزشکی است نسبتاً جوان، بسیار حاذق از همه مهمتر حسن خلق ایشان بقیه محاسنشان را تحت الشعاع قرار داده بنام آقای دکتر محمد عزت آبادی پور متخصص ارتوپد وی اگر تشخیص

دهد مریضی وضع مالی خوبی ندارد از او پول ویزیت نمی‌گیرد با مریضان خود با رأفت و مهربانی برخورد می‌کند حتی اواخر وقت که کاملاً خسته است اطاق انتظار او همیشه پر از مریض است به خاطر حذاقت و حسن خلق او یکی دیگر از محاسن ایشان اینست که بر اساس معتقدات دینی و مذهبی کاملاً پای بند با توجه به مشغله زیاد و شلوغی مطب در جلسات مذهبی و قرائت قرآن هم شرکت می‌کند شاید همین ایمان ایشان باشد که خداوند نظر عنایتش را بسویش معطوف داشته.

یکی دیگر از این افراد شاخص و لایق پزشکی است بنام آقای دکتر ابوالحسن طاهری نژاد تواسع و فروتنی ایشان زبانزده خاص و عام است. پای بند مادیات نیست. از اکثر مریضانش ولو اینکه نیازمند هم نیستند پول ویزیت نمی‌گیرد وی ورزشکار و اهل صعود و کوهنوردی است. هر کدام از اعضای هیئت کوهنوردی که جهت معالجه به وی مراجعه می‌کنند (حدود ۱۲۰ نفر می‌باشند) حق ویزیت نمی‌گیرد. حذاقت و مهارت ایشان از بعضی از پزشکان که متخصص و فوق تخصص هم دارند بیشتر است.

بقراط می‌گوید: اگر به پزشکی ایمان داشته باشی با همان نسخه اول بهبودی حاصل می‌کنی. مریضان ایشان بوی اعتماد و به علم پزشکی او ایمان داشته و از معالجات او رضایت کامل را دارند.

یکی دیگر از افرادی که برای جامعه مفید می‌باشند شخصی است بنام آقای غلامعباس علی زاده. تواسع و خاکی بودن وی زبانزد اکثر

نیت و خیر خواهی او موجب رضایت کارمندان و کارگران اداره فوق مخصوصاً ارباب رجوع گردیده بود.

آقای علیزاده پس از بازنشستگی بیکار نشست و با ایجاد شرکتی در همان زمینه فعالیت خود را شروع کرد و تعدادی بیکار را به کار گمارد.

وی شخصاً برای دلگرمی زیر دستانش به کارهای احداث برق می پردازد گاه‌آ دیده شده خود او به بالای تیر برق رفته و کار می کند که تفاوتی بین رئیس و مرئوس نبوده است.

ایشان ورزشکار و اهل کوهنوردی نیز می باشد کما اینکه در سال ۱۳۸۴ بعنوان رئیس هیئت کوهنوردی سیرجان منصوب گردید و به هیئت فوق سامان بخشید. همچنان به حل و فصل هیئت فوق می پردازد.

یکی دیگر از کارهای ماندنی ایشان این است که خانه‌ای از مرحوم عمویش به وی ارث رسید خانه را فروخت مبالغی هم خودش روی آن گذارد باضافه زمینی مسجدی ساخت بسیار مجهر که در تاریخ پنجشنبه ۸ رمضان ۱۴۳۱ مطابق با ۲۸ مرداد ۱۳۸۹ افتتاح گردید. ساختمان این مسجد برای ۱۵۰ سال آینده پیش بینی شده و در ساخت آن دقت کافی بعمل آمده است.

جا دارد از دست اندرکاران هفتگی نامه نگارستان که برای اولین بار در سیرجان امتیاز رسمی آن را آقای دکتر اسدالله بلوردی گرفتند و اولین شماره آن در تاریخ ۱۳۷۶/۱۱/۱۲ منتشر شد تشکر کنم و هم اکنون این هفته نامه پر بار به صاحب امتیازی و مسئولیت آقای ذبیح

الله بلوردی افسر بازنشسته سپاه و سردبیری مجتبی احمدزاده و آقای رسول بلوردی به کار خود ادامه می دهد.

جلادارد که از آقای شهباز حسن پور نماینده محترم سیرجان و بردسیر در مجلس شورای اسلامی که چه در زمان شهردار بودن و چه هم اکنون خدمات و فعالیت های زیادی برای مردم نموده و تمام وقت خود را وقف کاری کرده است تشکر نمایم.

www.ketab.ir